مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبان است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.
همچنین بدیهی است در برخی از این مقالات رسانه برای رسیدن به نتایج دلخواه خود و عملیات روانی روی مخاطب هدف، تعمدا اطلاعات غلط و تحلیل‌های چندتار گنجانده است. مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

مبارزه مؤثر با اسلام‌هراسی مستلزم تعریف قانونی از این پدیده است

گلودین زیرو: سازمان دیدبان مبارزه با نژادپرستی و اسلام‌هراسی (ORIW) در شورای اروپا در استراسبورگ اعلام کرد مبارزه با پدیده اسلام‌هراسی که در سال‌های اخیر در اروپا به طرزی نگران‌کننده رواج پیدا کرده است، مستلزم ارائه یک تعریف قانونی از این پدیده و ایجاد مجموعه‌ای از ابزارهای حقوقی در سطح اروپاست.

«فیلیس ماهیل» که در زمینه اسلام‌شناسی مطالعات زیادی انجام داده است، در نشستی که در حاشیه اجلاس عمومی تابستانی مجمع پارلمانی شورای اروپا در استراسبورگ برگزار شد، تاکید کرد: «وظیفه همه ماست که صرفنظر از مذهب و اعتقاداتی که داریم، با این پدیده که همزیستی مسالمت‌آمیز و انسجام اجتماعی را در اروپا به مخاطره انداخته است، مبارزه کنیم. شورای اروپا پارلمان اروپا و دیوان حقوق بشر اروپا می‌توانند با ارائه یک تعریف حقوقی مشخص از اسلام‌هراسی نقشی تعیین‌کننده در این مبارزه ایفا کنند. این یک شرط اساسی برای مبارزه موثر و سازنده با پدیده اسلام‌هراسی در اروپاست».

با توجه به اقدامات ضداسلامی و مسلمان‌ستیز که بویژه پس از حملات خونین ژانویه گذشته در پاریس افزایش یافته است، ضرورت اجماع در مبارزه با اسلام‌هراسی بیش از پیش احساس می‌شود. طی ۴ هفته پس از این حملات که در پاریس اتفاق افتاد، موارد متعددی از اقدامات اسلام‌هراسی در فرانسه گزارش شد که شمار آنها به اندازه کل مواردی بود که در سال ۲۰۱۴ در این کشور به ثبت رسیده بود و افزایشی ۷۰ درصدی را نشان می‌داد.

از هفتم تا هفدهم ژانویه وزارت کشور فرانسه از وقوع ۱۱۶ مورد اقدام اسلام‌هراسی در این کشور خبر داد برای اولین بار آمار ارائه‌شده توسط وزارت کشور فرانسه از آماری که جامعه مبارزه با اسلام‌هراسی در فرانسه ارائه می‌کرد بالاتر بود: مقامات فرانسه غالب اوقات جامعه مبارزه با اسلام‌هراسی در کشورشان را به هراس‌آفرینی متهم می‌کنند.

با این همه درباره ضرورت ارائه یک تعریف حقوقی از اسلام‌هراسی اتفاق نظر وجود ندارد حتی برخی در اروپا بویژه در فرانسه مخالفت خود را با استفاده از این واژه اعلام کرده‌اند.

«شارب» کاریکاتوریست فرانسوی که در حمله هفتم ژانویه در پاریس کشته شد، در اثر به جا گذاشته از خود تحت عنوان نامه‌ای که پس از مرگش منتشر شد، نوشته بود: «فعالان مبارزه با نژادپرستی دیروز به تدریج دارند کوته‌بین و تنگ‌نظر می‌شوند. مبارزه با نژادپرستی به معنای مبارزه با تمام اشکال نژادپرستی است اما سوال من این است که مبارزه با اسلام‌هراسی مبارزه با چه چیزی است؟»

اما فیلیس ماهیل این استدلال را بی‌اساس می‌داند و رد می‌کند وی می‌گوید: «حتی برخی از این فراتر رفته و ادعا کرده‌اند این واژه (اسلام‌هراسی) ساخته و پرداخته روحانیون ایرانی در سال ۱۹۷۹ است، در حالی که این واژه نه در زبان فارسی و نه در زبان عربی وجود نداشته است و این نویسندگان فرانسوی بودند که اواخر قرن نوزدهم از آن استفاده کردند؛ این اسلام‌شناس می‌افزاید: «برای اینکه بتوانیم اقدامات اسلام‌هراسی را ثبت کنیم بدیهی است باید تعریف مشخصی از این پدیده در اختیار داشته باشیم.»

واژه اسلام‌هراسی در آخرین چاپ فرهنگ لغت «لو روبر» (Le Robert) فرانسه وارد شده و از آن به‌عنوان شکل خاصی از نژادپرستی ضداسلام و مسلمانان تعبیر شده است. حتی استفاده از این واژه در فرانسه نیز اختلاف‌نظرانی به وجود آورده و مسؤولان بلندپایه این کشور را دچار تردید کرده است. ۱۶ ژانویه «فرانسوا اولاند» رئیس‌جمهور سوسیالیست فرانسه تاکید کرد فرانسه بیرحمانه با نژادپرستی، اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی مبارزه می‌کند اما «مانوئل والس» نخست‌وزیر فرانسه از به کار بردن واژه اسلام‌هراسی یا اسلام‌ستیزی بشدت امتناع و آن را اسب تروای سلفی‌ها توصیف کرد. «فیلیس ماهیل» بر این عقیده است مشاجره معنایی که در این باره وجود دارد، پوشش بر شهامت مقامات حاکم بر فرانسه است. ماهیل به نقل از «عبدالله حاجت» مولف کتابی درباره اسلام‌هراسی که در سال ۲۰۱۳ منتشر شد، افزود: «استفاده از این اصطلاح در واقع نمایانگر وجود اراده یا نبود اراده در نهادهای حاکم و مقامات فرانسه برای اذعان به وجود اقدامات یا سخنرانی‌های نژادپرستانه ضد مسلمانان این کشور است.»

«فیلیس ماهیل» تاکید کرد: «اسلام‌هراسی صورت‌ها و اشکال مختلف به خود می‌گیرد. اسلام‌ستیزی مجموعه‌ای از پیش‌داوری‌ها، ترس‌ها و نفرت‌ها ضدمسلمانان است که در قالب اقدامات خشونت‌بار، رفتارهای تبعیض‌آمیز و بدنامی‌ها نمایو پیدا می‌کند»

هماهنگ‌کننده دیدبان مبارزه با نژادپرستی و اسلام‌هراسی که از سال ۲۰۱۳ برای به رسمیت شناخته شدن واژه اسلام‌هراسی در فرانسه تلاش می‌کند، می‌گوید: «اسلام‌ستیزی به یک احساس ساده ضدمذهبی یا ضدهاجرت کاملا متفاوت است. کمیسیون مشورتی حقوق بشر فرانسه در سال ۲۰۱۴ واژه اسلام‌هراسی را به رسمیت شناخت. بدون تردید ارائه یک تعریف صریح و روشن از اسلام‌هراسی در سطح بین‌المللی می‌تواند به پیشبرد مبارزه با این پدیده کمک کند و به رسمیت شناخته شدن این عبارت توسط شورای اروپا نیز می‌تواند به این مبارزه کمک‌های شایانی کند.»

با این حال نمی‌توان پدیده اسلام‌هراسی را فروبا یا دون در نظر گرفتن پدیده افراط‌گرایی جوانان غرب‌تبار و مسلمان اروپایی مورد مطالعه قرار داد چرا که به نظر می‌رسد این دو پدیده کاملا از یکدیگر تغذیه می‌کنند.

«ظاهر عباس» استاد دانشگاه و عضو دیرانمان جامعه‌شناسی دانشگاه فاتح استانبول در نشستی که به ابتکار ائتلاف پارلمانی ضدتنفر و همچنین به همت کمیسیون مسائل اجتماعی، سلامت و توسعه پایدار برگزار شده بود، بر همین مساله تاکید کرد. وی تاکید کرد: «در غرب اروپا به موازات رشد ملموس اسلام‌هراسی، پدیده افراط‌گرایی جوانان نیز به طور نگران‌کننده‌ای در حال گسترش است. شمار کسانی که از فرانسه، انگلیس، آلمان و هلند برای رفتن به کشورهای منافشده سوریه و عراق و مبارزه در صفوف داعش خارج می‌شوند، روز به روز در حال افزایش است.»

«برنارد دوبس» نماینده حقوق کودکان در فدراسیون «والونی» تاکید کرد: «باید به هر قیمتی که شده از اختلاط اسلام تروریسم و سلفیسم جلوگیری کنیم. باید بشدت با تبعیض نژادی آموزشی مبارزه کنیم. مدارسی که بر پایه گرایش‌های نژادی اداره می‌شوند، یک بمب واقعی برای جوامع ما محسوب می‌شوند. لازم است برای ارزش بخشیدن دوباره به مفهوم جامعه که با فرقه‌گرایی و قبیله‌گرایی بیگانه کاملا متفاوت است، تلاش کنیم»

خبرگزاری فرانسه

توافق احتمالی می‌تواند به منزله پایان رفتار خصمانه بین آمریکا و ایران باشد

تریتا پارسی: حفظ امید در این روزها برای اقناعت کار دشواری است. داعش به جاحت خود در عراق و سوریه ادامه می‌دهد. جنگ در شرق اوکراین ادامه دارد و شلیک اسلحه به نمادی عادی در زندگی آمریز بشر بدل شده است. صلح میان آز هر زمان دیگری غریب افتاده و درگیری به امری عادی بدل شده است. اما نقاط روشنی هم دیده می‌شود. یک پیشرفت مشاهده می‌شود و این به منزله جبهه جدیدی برای توانایی انسان برای رسیدن به آسایش است. تلاش‌های تمام اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل به اضافه آلمان و ایران برای حل مساله برنامه اتمی این کشور از راهی صلح‌آمیز یکی از این نقاط روشن است. ماورای بدادلت‌های بدبینانه برخی درباره توانایی گریز هسته‌ای و رفع تحریم‌ها، شاهد تلاشی نوآورانه برای یافتن راه‌حلی صلح‌آمیز هستیم که می‌نظیر است. اگر دو طرف بتوانند به توافق برسند، آنگاه این موفقیت می‌تواند از جنگ جلوگیری کند و راه‌های دستیابی ایران به سلاح اتمی را مسدود کند. موفقیت واقعی این است که منافع‌های که در سال‌های اخیر ایران و آمریکا را در آستانه جنگ قرار داد از راه سازش و دیپلماسی حل و فصل شود. ما شاهد کاری استثنایی از دیپلمات‌های طرفین هستم که اگر به موفقیت منجر شود، نمونه‌های کمی در تاریخ همانند آن و یا این وزن پیدا می‌شود. اینکه دیپلماسی بین آز جنگ و ویرانگری به صلح منجر شود یک موضوع عادی است اما اگر پیش از آن به این کار نائل شود این موضوعی عادی محسوب نمی‌شود و امری خارق‌العاده و استثنایی خواهد بود. مذاکرات اخیر با ایران دارای ۴ ویژگی است که آن را متحصر به فرد می‌کند. اول اینکه مقابله با موضوع اتمی ایران یک مناقشه جهانی عمده است. این موضوع تمام جامعه بین‌المللی را در بر می‌گیرد و تنها شامل همسایگان ایران نمی‌شود. این موضوع مهمی است زیرا منافعات بزرگ‌تر شبیه این موضوع به ندرت از راه دیپلماسی حل و فصل می‌شوند و طرفین کارشان به جنگ کشیده می‌شود. تنها افراد تندرو معتقدند جنگ با ایران یک جنگ سریع و آسان خواهد بود. بسیاری از کارشناسان نظامی معتقدند این جنگ یک جنگ بزرگ پرهزینه و طولانی خواهد بود که ورود به آن نتیجه‌ای به همراه نخواهد داشت.

دوم اینکه دو طرف حقیقتا در آستانه یک جنگ قرار دارند. جنگ ضد ایران از سال ۲۰۰۵ در دستورکار واشنگتن قرار داشته است. سال ۲۰۰۷ جامعه اطلاعاتی آمریکا به دولت بوش اعلام کرد نتایج تحقیقات آن نشان می‌دهد ایران تسلیحات اتمی فعل ندارد و با این کار خود حمله بوش به ایران را خنثی کرد. با این وجود احتمال حمله اسرائیل ضد ایران همچنان وجود دارد. دولت رئیس‌جمهور اوباما سال ۲۰۱۱ تلاش‌های خود را برای جلوگیری از حمله نظامی اسرائیل ضد ایران افزایش داد. دولت اوباما سال ۲۰۱۳ به این نتیجه رسید که تحریم‌های وضع‌شده ضد ایران احتمالا بیش از آنکه سبب تسلیم ایران شوند، سبب کشیده شدن آمریکا به جنگ خواهد شد. در ماه ژوئن آن سال موج ایران حسن روحانی را به‌عنوان یک میانه‌رو به مقام ریاست جمهوری انتخاب کردند به فاصله کوتاهی از انتخاب وی مذاکرات به طور فشرده برگزار شد. پیش از آن بسیاری از مردم احتمال تقابل نظامی را می‌دادند. سوم اینکه نتیجه مذاکرات حامل آشتی حقیقی خواهد بود. این شاید عجیب‌ترین ویژگی دیپلماسی در جریان باشد. هیچکدام از طرفین مذاکرات بر سر مفاهیمی چون شکست یا تسلیم مذاکره نمی‌کنند. آنها مفاد مذاکراتشان را با مفهوم برد-برد تعریف می‌کنند. خطوط این توافق به خوبی شناخته‌شده هستند و غیرمحتمل به نظر می‌رسد در دور نهایی مذاکرات به طور عمده دچار تغییرات شوند. آمریکا و دیگر طرف‌های مذاکرات هرگونه نیازبه غنی‌سازی در حد صفر و درخواست برای برچیدن تمام سانتریفیوژها و توقف تمام فعالیت‌های اتمی را رد کرده‌اند. برچیده شدن تمام سانتریفیوژها و متوقف کردن تمام فعالیت‌های غنی‌سازی برخی درباره توانایی گریز هسته‌ای و رفع تحریم‌ها، شاهد تلاشی نوآورانه برای یافتن راه‌حلی صلح‌آمیز هستیم که می‌نظیر است. اگر دو طرف بتوانند به توافق برسند، آنگاه این موفقیت می‌تواند از جنگ جلوگیری کند و راه‌های دستیابی ایران به سلاح اتمی را مسدود کند. موفقیت واقعی این است که منافع‌های که در سال‌های اخیر ایران و آمریکا را در آستانه جنگ قرار داد از راه سازش و دیپلماسی حل و فصل شود. ما شاهد کاری استثنایی از دیپلمات‌های طرفین هستم که اگر به موفقیت منجر شود، نمونه‌های کمی در تاریخ همانند آن و یا این وزن پیدا می‌شود. اینکه دیپلماسی بین آز جنگ و ویرانگری به صلح منجر شود یک موضوع عادی است اما اگر پیش از آن به این کار نائل شود این موضوعی عادی محسوب نمی‌شود و امری خارق‌العاده و استثنایی خواهد بود. مذاکرات اخیر با ایران دارای ۴ ویژگی است که آن را متحصر به فرد می‌کند. اول اینکه مقابله با موضوع اتمی ایران یک مناقشه جهانی عمده است. این موضوع تمام جامعه بین‌المللی را در بر می‌گیرد و تنها شامل همسایگان ایران نمی‌شود. این موضوع مهمی است زیرا منافعات بزرگ‌تر شبیه این موضوع به ندرت از راه دیپلماسی حل و فصل می‌شوند و طرفین کارشان به جنگ کشیده می‌شود. تنها افراد تندرو معتقدند جنگ با ایران یک جنگ سریع و آسان خواهد بود. بسیاری از کارشناسان نظامی معتقدند این جنگ یک جنگ بزرگ پرهزینه و طولانی خواهد بود که ورود به آن نتیجه‌ای به همراه نخواهد داشت.

دوم اینکه دو طرف حقیقتا در آستانه یک جنگ قرار دارند. جنگ ضد ایران از سال ۲۰۰۵ در دستورکار واشنگتن قرار داشته است. سال ۲۰۰۷ جامعه اطلاعاتی آمریکا به دولت بوش اعلام کرد نتایج تحقیقات آن نشان می‌دهد ایران تسلیحات اتمی فعل ندارد و با این کار خود حمله بوش به ایران را خنثی کرد. با این وجود احتمال حمله اسرائیل ضد ایران همچنان وجود دارد. دولت رئیس‌جمهور اوباما سال ۲۰۱۱ تلاش‌های خود را برای جلوگیری از حمله نظامی اسرائیل ضد ایران افزایش داد. دولت اوباما سال ۲۰۱۳ به این نتیجه رسید که تحریم‌های وضع‌شده ضد ایران احتمالا بیش از آنکه سبب تسلیم ایران شوند، سبب کشیده شدن آمریکا به جنگ خواهد شد. در ماه ژوئن آن سال موج ایران حسن روحانی را به‌عنوان یک میانه‌رو به مقام ریاست جمهوری انتخاب کردند.

اوباما آزادی عمل بیشتری برای تمدید مذاکرات هسته‌ای پیدا کرده است

حال که در مهلت ۳۰ ژوئن که ۷ ماه پیش تعیین شد، توافقی درباره برنامه هسته‌ای ایران حاصل نشد، «باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا بر طور فزاینده‌ای اختیار عمل سیاسی دارد مذاکرات هسته‌ای ایران را تمدید کند.

در حالی که ایران و بسیاری از قدرت‌های جهانی دیگر حاضر در مذاکرات نشان داده‌اند درباره توقایی حل و فصل همه مسائل تردید دارند، تمدید مذاکرات به مدت چند روز یا بیشتر به طور فزاینده‌ای محتمل به نظر می‌رسد.

یک مشاور پیشین دولت اوباما، معمار تسلیحات هسته‌ای آمریکا علیه ایران و یک قانونگذار باقدرت آمریکایی گفته‌اند مهلت اهمیتی کمتر از نتیجه دارد و سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز همین موضوع را گفت. مانع برای اوباما، این احتمال بوده است که کنگره آمریکا که در آن احساسات ضدایران قوی است، با تصویب تحریم‌های اقتصادی بیشتر ضدایران، به سرعت درباره مهلت از دست رفته دیگر واکنش نشان دهد. دولت آمریکا با موفقیت با تصویب تحریم‌های بیشتر در سال گذشته مقابله کرد. دولت آمریکا این کار را با مشارد دادن به قانونگذاران انجام داد که چنین اقدامی به جای افزایش فشار بر ایران برای مصالحه کردن، موجب از بین رفتن مذاکرات می‌شود.

■ **تقییرشیوه**

اکنون شیوه کار در واشنگتن تغییر کرده است بویژه که منتقدان و دیگران می‌گویند آنها نگران هستند اوباما- بیش از ایرانیان- برای مصالحه کردن احساس کند تحت فشار قرار دارد. «دنیس رلس» مشاور سابق اوباما در امور ایران گفت: «اگر آنچه لازم است تا ببینیم آیا طرف‌ها می‌توانند به توافقی قابل قبول دست پیدا کنند زمان بیشتر است، کنگره زمان بیشتری خواهد داد. مهم است که مقید به شرب‌الاجل نباشیم. مهم است که به محتوا پایبند باشیم».

«مارک دوبویتز» مدیر اجرایی «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» که به قانونگذاران آمریکایی درباره تدوین تحریم‌های فعلی کمک کرده است نیز اظهاراتی مشابه مطرح کرد ولی دولت آمریکا را درباره امتیازاتی که پیش از این در ماه آوریل در لوزان سویس برای دستیابی به توافق داده است، مقصر دانست.

«دوبویتز» در نامه‌ای الکترونیکی نوشت: «دولت اوباما ثابت کرده است قادر نیست تهدید تحریم‌های جدید کنگره را به لغرم فشاری بهبودیافته و شرایط بهتر مذاکراتی تبدیل کند. شاید با در اختیار داشتن زمان بیشتر و وجود نداشتن فشار مهلت (زمانی)، دولت اوباما زمام مسائل را درباره موضوعات باقیمانده‌ای که درباره آنها تسلیم نشده است، به دست گیرد».

سناتور «جاب کورکر» یکی از افراد مهم درباره موضوع هسته‌ای ایران در کنگره که ریاست کمیسیون روابط خارجی سنا را برعهده دارد گفت وی اکنون درباره موضوع مهلت فشاری از طرف کنگره نمی‌بیند.

بلومبرگ

افشای ابعادی از دیپلماسی دسته چک عربستان-سعودی

دیپلماتیک سفارتخانه‌های سعودی در سراسر جهان با وزارت خارجه آن مربوط می‌شود که بسیاری از آنها متعاقبا به دفتر تصمیم‌گیری‌های نهایی پادشاه فرستاده شد. بسیاری از این مکاتبات نقض است و تعیین تاریخ و شرایط ارسال آنها دشوار است و تعداد بسیار معدودی از آنها نشان می‌دهد کدام درخواست‌ها به تایید پادشاه رسید و نهایتا مورد اجابت قرار گرفت. اکثر اسناد بر دوره پرآشوب خاورمیانه پس از قیام‌های مردمی متمرکز است که به سقوط رهبران عرب در سال ۲۰۱۱ انجامید و تا اوایل امسال ادامه داشت. در بسیاری از این اسناد تلاش‌های عربستان-سعودی که یک قدرت سنی است، برای مقابله با نفوذ ایران شیعه رقیب منطقه‌ای آن و عوامل ایران مانند گروه شیعه‌نظامی شیعه و حزب سیاسی لبنانی حزب‌الله به خوبی روشن است. آنچه در این اسناد به چشم نمی‌خورد، مدرکی دال بر حمایت مستقیم سعودی‌ها از گروه‌های شیعه‌نظامی در سوریه و نقاط دیگر است.

«ویرن ریدل» مامور سابق آژانس اطلاعات مرکزی و عضو کنونی موسسه بروکینگز می‌گوید در حالی که شواهد قابل ملاحظه‌ای دال بر چنین برنامه‌هایی وجود دارد، آنها اغلب در اختیار سرویس‌های اطلاعاتی سعودی است و وزارت خارجه اغلب نقشی در این زمینه ندارد و این امر به سعودی‌ها قابلیت انکار موجه می‌دهد و ارتباط با دیگر سرویس‌های اطلاعاتی را که به شورشیان کمک می‌کنند، میسر می‌سازد. برخی این اسناد را چندان مهم نمی‌دانند و خاطرنشان می‌کنند فعالیت‌های مشابهی توسط کشورهای دیگر از جمله آمریکا صورت می‌گیرد. «عبدالخالق عبدالله» استاد علوم سیاسی در امارات عربی متحده که حدود صد مکاتبه را خوانده است، می‌گوید در واقع هیچ چیز تکان‌دهنده‌ای که امنیت سعودی را به خطر اندازد، وجود ندارد. وی می‌گوید، هر کسی از دیپلماسی دسته چک عربستان-سعودی مطلع است و این کشور اکنون باید با دیگر دولت‌های نوتوسعه مانند قطر، کویت و امارات عربی متحده برای جلب مشتری رقابت کند.

به گفته وی، یک نکته عجیب در این اسناد این است که شاهزاده «سعود الفیصل» وزیر خارجه سابق سعودی (که هفته گذشته مُرد) حتی درباره مسائل جزئی باید به پادشاه اجازه می‌گرفت. به نظر می‌رسد در عربستان صرف‌نظر از رتبه شاهزاده‌ها، پادشاه همه کاره است.

نیویورک‌تایمز

تجدیدنظر ناتو در سیاست تسلیحات هسته‌ای اش

منابع آگاه در سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) از آماده شدن این سازمان برای بازنگری در راهبرد تسلیحات هسته‌ای اش در واکنش به تشدید فزاینده‌ای با روسیه بر سر اوکراین خبر دادند. روز آمد شدن سیاست هسته‌ای ناتو به تشدید تنش‌ها با روسیه منجر خواهد شد که در پی بحران اوکراین در سال گذشته آغاز شد. مقامات ناتو با ابراز نگرانی از دیپلمپلین قدرت است؟» به پایان رساندن موفق یک دوره دیپلماسی سخت و طاقت‌فرسای ۱۲ ساله با توسل به منطق و هوش سرشار ایرانی می‌تواند به‌عنوان بهترین سرمایه برای ایجاد یک نظم جدید دلخواه در حوزه اقتصاد و سیاست جهانی به کار گرفته شود. نظمی که برخلاف نمایندگان و منصوبان رهبری و اقتای این نظرات به عنوان دیدگاه‌های رهبری گفتند حرف این افراد، حرف خود آنهاست و حرف بنده را خود بنده بشنوید. ایشان افزودند: منصوب‌شدگان از سوی رهبری حتی ممکن است در برخی مسائل سیاسی و اجتماعی نظر متفاوتی با بنده داشته باشند که این مساله اشکالی ندارد، زیرا مساله اصلی، جهت‌گیری‌های کلی و اقلایی است. رهبر انقلاب تأکید کردند: البته اگر کسی از قبل بنده نکته خلاف واقع را مطرح کند یا او تذکر داده و خواسته می‌شود که این مطلب را اصلاح کند. «وضعیت مبارزه با استکبار پس از مذاکرات هسته‌ای» سوال دیگری بود که یکی از دانشجویان مطرح کرد. رهبر انقلاب در پاسخ تأکید کردند: مبارزه با استکبار و نظام سلطه، براساس مبانی قرآنی، هیچگاه تعطیل‌پذیر نیست و از حد و اندازه دریافت کارت پذیرش رسمی در «باشگاه قدرت‌های جهانی» نمی‌بیند و صرف «مذاکره موفق» با آمریکا را دستخوشی به خانواده‌نماند برای خود ارزیابی می‌کند! آیا ایران، به عنوان ابرقدرتی که در بحبوحه اعمال شدیدترین تحریم‌های سیاسی-اقتصادی جهانی، مؤمنوی منطقه غرب و جنوب آسیا در آفریقا و آمریکای جنوبی به رخ رقبا کشیده، شایسته سیاستگذاری حداقلی و به دور از دیپلمپلین قدرت است؟» به پایان رساندن موفق یک دوره دیپلماسی سخت و طاقت‌فرسای ۱۲ ساله با توسل به منطق و هوش سرشار ایرانی می‌تواند به‌عنوان بهترین سرمایه برای ایجاد یک نظم جدید دلخواه در حوزه اقتصاد و سیاست جهانی به کار گرفته شود. نظمی که برخلاف نظامان شکست‌خورده غلبای، از توان جذب سایر قدرت‌های نوظهور جهانی برخوردار است و علاوه بر دولت‌ها به علت تکیه بر اندیشه «عدالت جهانی» ناتا از پتانسیل همگرایی ملت‌ها نیز بهره می‌برد.

امیدوار به‌افق دید سیاستمداران و مدیران ایرانی دست کم پس از ارتقای رتبه جهانی برآمده از سال‌ها ایستادگی و مقاومت مردم، بالاتر از سقف آرزوهای پوچی همچون «تعامل با آمریکای مغلوک و شکست‌خورده» و اروپای بحران‌زده به عنوان مجموعه‌ای قدرت(!) صعود باید و بلافاصله پس از لغو احتمالی تحریم‌ها، مجددا در نقش قدیمی دولت مشتاق «همکاروشی حداکثری منافع خدادادی» و پی‌برنامه در عرصه اقتصاد و سیاست بین‌الملل غرق نشوند! میان این ابرقدرت شناخته شده و جهانی امروز و ایران پس از قطعنامه ۵۹۸ تفاوت از زمین تا آسمان است، کلش این را بفهمیم و بدانند!

منبع: ایسنا

نصب شده است در حالی که آمریکا ۱۵۹۷ کلاهک نصب‌شده روی ۷۸۵ فروند موشک و بمب‌افکن دارد.

در مقر ناتو هیچ صحبتی از بازگشت به روزهای مسابقه تسلیحات هسته‌ای و دکترین نابودی تضمین‌شده دوجانبه نیست و آمریکا بویژه بازگرداندن موشک‌های کروز به اروپا را رد کرده است.

با این حال دغدغه مقامات رسمی، نظامیان و دیپلمات‌های ناتو این است که راهبرد هسته‌ای کنونی این اتحاد تحت رهبری آمریکا منعکس‌کننده تفکر یک دهه قبل است که روسیه یک شریک بالقوه قلمداد می‌شد. به گفته آنها این راهبرد حتما باید مورد بازنگری قرار گیرد. اگرچه تمرین‌های هسته‌ای ناتو سری است، این سازمان، مانند روسیه، به این تمرین‌ها ادامه می‌دهد. ناتو تقویت نقش تسلیحات هسته‌ای در چنین تمرین‌هایی را با توجه به تغییر روابط با مسکو ضروری می‌داند.

یک مقام رسمی ناتو بازدارندگی مبتنی بر ترکیب مناسبی از قابلیت‌های دفاعی هسته‌ای، متعارف و موشکی را یک عنصر محوری در راهبرد کلی ناتو توصیف و گفت «وگو درباره تجدیدنظر در دکترین هسته‌ای این سازمان برگزار می‌شود.

از جمله موضوعات احتمالی مورد بحث افزایش نقش تسلیحات هسته‌ای در تمرین‌های نظامی ناتو است. همچنین نحوه تفسیر هشدارهای روسیه درباره تسلیحات هسته‌ای از دیگر موضوعات مورد بحث خواهد بود، اینکه آیا باید این تهدیدها را جدی گرفت یا چنین تهدیدهایی صرفا لفاظی است.

از زمان لوح جنگ سرد، آمریکا و روسیه زرادخانه هسته‌ای‌شان را کاهش دادهاند اما روسیه هنوز حدود ۱۵۸۲ کلاهک راهبردی دارد که روی ۵۱۵ فروند موشک و بمب‌افکن

بلومبرگ

مشاطه‌چیان هیولا و صرف فعل خیانت

نگاه‌امروز | ادامه از صفحه اول

...تنها بخشی از ظلم‌های دستگاه حاکمه آمریکا به ملت ایران است و برای دهه‌ها و حتی از سال‌های پیش از انقلاب این ستمگری مداوم صدها بار جلوه یافته است. در این باره باید گفت «نزک کردن» چهره قدرت‌ها با اهداف و مطامع شخصی و گروهی، نوعی سیر تاریخی را در تاریخ معاصر پیموده و در ایستگاه امروز قرار گرفته است. از سودجویان انگلوفیلی که برای دستیابی به حق‌العمل انعقاد قراردادهای خاندان‌سوزی چون ۱۹۱۹ دست به تلطیف چهره استعمار پیر بریتانیا زدند تا جاه‌طلب‌کن‌های ورود کمونیسم به ایران و سرسپردگان رفیق‌های مسکوشین در قالب حزب توده و... همگی از پیشگامان مشاطه‌گری هیولاهای جهانخوار بین‌المللی به شمار می‌روند نکته قابل تامل اینکه بسیاری از سینه‌چاکان تطهیر آمریکا که با پشت کردن به اهداف و آرمان‌های انقلابی، خود را عوادار جریان‌هایی علی‌گرایی قلمداد می‌کنند، ستم تاریخی رهبران واشنگتن در سرنگونی دولت مصدق را از یاد برده‌اند و هیچ منطق یا باندواره‌ای تاریخی را مخالف با رویه کور کورانه خود برنمی‌تابند. این افراد یا با یاکسازی خاطره تاریخی حمایت‌های بی‌دریغ آمریکا از متجاوزان بعثی و پشتیبانی از تروریست‌هایی که دستشان آلوده به خون هزاران ایرانی است، جایی برای بحث درباره نقش‌آفرینی واشنگتن در جنایت‌های جهانی از فلسطین اشغالی، افغانستان، عراق و یمن گرفته تا نسل‌کشی در میانمار، روآندا و... باقی نگذاشته‌اند. صرف نظر از این واقعیت‌های تاریخی، حتی رفتارهای اخیر هیات حاکمه ایالات متحده آمریکا در پی افکندن ساختار ظالمانه تحریم و تهدیدها و تحقیرهای مکرر ملت ایران به دلیل پیگیری حقوقی مسلم نیز اندک خللی در ارادت آمریکاستایان به وجود نیاورده است. در زمینه چرایی چنین رفتاری تحلیل‌هایی گوناگون ارائه شده است. برخی با تکیه بر نظریه‌های روانشناسی اجتماعی چهره‌هایی چون «تئودور آدورنو» شخصیت ضعیف، سرخورده و خودفروخت بی‌توان گرفتارش در سراب خیالات پوشمرد که در سودایی باطل، مسیری ناگزیر را می‌پویند.

گرایش افراطی به قدرت‌های خارجی و تلاش برای آراستن چهره خشن دولت‌هایی نظیر آمریکا قلمداد می‌کنند. در این میان آنچه تاسف‌برانگیزتر است آگاهی شماری از به اصطلاح نخبگان سیاسی و اصحاب رسانه از ابعاد و عمق جنایتکاری‌های حاکمان واشنگتن به عنوان عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی صهیونیسم جهانی است. با این حال برخی منافع شخصی و گروهی که در شرایط کنونی با بهبود روابط با واشنگتن یا به معنای واقعی‌تر تسلیم و کرنش در برابر آمریکا گره خورده، سبب شده نسبت تا این روزها پروسه «آمریکاپرایی» به شکلی آشکار در دستورکار شماری قرار گیرد. این در حالی است که تجربه نشان داده حاکمان واشنگتن نعتنها به مشاطه‌گران خردهپا یل به نوکران بزرگ منطقه‌ای خود نیز به چشم ابزار می‌نگرند و در بزنگاه‌های تاریخی هیچ تردیدی در واپنهادن آنان به حال خود نشان نمی‌دهند. به این ترتیب تطهیرگنندگان داخلی آمریکا را می‌توان گرفتارانی در سراب خیالات پوشمرد که در سودایی باطل، مسیری ناگزیر را می‌پویند.

چگونه یک ناظم جهانی شویم؟

یادداشت‌امروز | ادامه از صفحه اول

در حوزه سوئیفت نیز در شرایطی که دولت روسیه بلافاصله پس از عقد تحریم‌های اروپا و آمریکا ضد این کشور، اقدام به راه‌اندازی سامانه جایگزین ارتباطات مالی بین بانکی با هدف فاصله گرفتن از سلطه مالی غرب کرد، پس از سال‌ها تحریم، در فروردین ۹۴، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کارگروه سوئیفت و راهکارهای تقویت سیستم‌های جایگزین را مورد بررسی قرار داد؛ نتایج به دست آمده از این بررسی نشان می‌دهد انجمن جهانی ارتباطات مالی بین بانکی تحت تاثیر اقدامات سیاسی در راستای تحریم کشورها قرار گرفته است و همین موضوع باعث شده کشورهایی که مورد تحریم قرار گرفته‌اند برای جلوگیری از آثار تحریم به فکر ایجاد و گسترش شبکه جایگزین باشند که سامانه سپام (سامانه پیام‌رسانی الکترونیکی مالی) در ایران از جمله این موارد است!

البته سپام در حقیقت یک رابط اتصال به سیستم سوئیفت جهانی است و تفاوت قابل توجهی با طرح روسیه و چین برای استقلال از سیستم پولی- مالی غربی دارد. سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه چهارشنبه هفته گذشته اعلام کرد، کشورهای عضو گروه بریکس سرگرم بررسی ایجاد سازوکاری «به جای» شبکه بین‌المللی ارتباط مالی بین بانکی سوئیفت هستند وی تصریح کرد: «چه سامانه سوئیفت باشد و چه نباشد، در هر صورت ما در حال گفت‌وگو درباره امکان ایجاد یک سامانه پرداخت چندجانبه برای گروه بریکس هستیم که موجب استقلال بیشتر کشورهای عضو این گروه خواهد شد و همچنین موجب می‌شود این کشورها از خطرات ناشی از تصمیم خودسرانه کشورهای دیگری که از سامانه‌های پرداخت موجود استفاده می‌کنند، در امان بمانند» به این ترتیب با تشکیل «بلوک جهانی جدید» در سال ۲۰۱۶ با نام «بلوک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا» انتظار می‌رود که نهاد بزرگ اقتصادی چندجانبه فعلی یعنی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در واشنگتن، به‌دنبال افزایش سیاست‌های تحریک‌آمیز آمریکا در تهدید سایر کشورهای مستقل به تحریم‌های اقتصادی، نفوذ خود را به‌تدریج از دست داده و با معضل تشکیلات نوظهور همزمان با ادامه بحران اقتصادی بلوک سرمایه‌داری در اروپا و آمریکا دست و پنجه نرم کنند. اهمیت حرکت جهان به سمت استقلال اقتصادی از آمریکا به‌عنوان ابرقدرت برآمده از «سلطه اقتصادی» در حقیقت نشانه‌ای آشکار از «قول» بزرگ‌ترین دشمن ایران در جهان است. دشمنی که همچنان در سر میز مذاکرات اتفعالی به دروغ از دیپلماسی نمایشی قدرت بهره می‌برد اما در حقیقت از هر زمان دیگری محتاج‌تر به دستیابی به موقعیتی دیپلماتیک برای نمایش «عقلانیت و مصلحت تئاتری» است. چرا که تصمیم‌سازی‌های تهدیدمحور و خود